



۲۰۱۷/۱۲/۱۳



ارسالی : انجنیر شیر ساپی

## مکتی بر اندیشه جان لاک در حوزه فلسفه سیاسی

**لاک** تفکر را حاصل مجموعه بی از تصورات می دانست. تصورات ناشی از تاثیرپذیری عضوهای حسی هستند. عضوهای حسی دو نوع تصور در مغز ایجاد می کنند: نخست، تصورات ناشی از احساس است، مثلاً این تصورات به طور مستقیم بیرون از ذهن قرار دارد. دوم، تصورات حاصل از ادراک ذهنی هستند. این دسته ی دوم از تصورات حاصل کار ذهن روی تصورات بیرونی به حساب می آیند.

حاصل این دو گونه تصور مجموعه بی از آگاهی و اندیشه را تشکیل می دهد. بنابر این هر آنچه در ذهن ما وجود دارد حاصل تجربه است. او معرفت را ادراک پیوندهای میان تصورات می داند. **دکارت** تصور را چیزی به کلی عقلی می پندارد، در حالی که **لاک** تصور را به کلی حسی می داند. اگر چیزی که درباره ی آن می اندیشیم به حس درک نشده باشد، فقط تصویری حسی از محسوسات است. او حتی مجردترین تفکرات را نیز به همین شکل تبیین می کند.

تفکر نزد **لاک** داشتن بعضی تصورها در ذهن و راههای گوناگون ترکیب، سنجش و کاربرد آن تصویرها است. اگر چه لاک در زمینه ی شناخت، اصالت را به حواس می دهد اما معتقد است شناختی که از راه حواس به دست می آید محدود است و فقط وجود اشیا را به ما می شناساند نه طبیعت و ماهیتشان را. آنچه **لاک** در تقریر نظریه سیاسی خود گفته تا به امروز یکی از مهم ترین گفتارها در تاریخ آاندیشی محسوب می شود.

آزادی فرد (liberty) بر اساس نظریه **لاک**، خداوند انسان را آفرید. هدف اصلی او از آفرینش، حیات است. بنابر این قتل و خودکشی هدف الهی را نقض می کند. اگر شخص حیات را یک هدف میدانند، این سؤال وجود دارد که ابزار لازم برای تحقق این هدف چیست؟ از نظر **لاک**، آنها عبارتند از زندگی، آزادی، سلامت و دارایی. اینها حقوق طبیعی اند، یعنی حقوقی که در وضع طبیعی قبل از عرضه حکومت مدنی داریم و همگان در این خصوص از حقوق مساوی برخوردارند.

**لاک** می گوید وضع طبیعی یک قانون طبیعی دارد که بر آن حاکم است و همگان را ملزم می کند و عقل که همان قانون است، به بشری که از عقل رأی می جوید، می آموزد که چون همه برابر و مستقل اند، هیچ کس نباید به زندگی، سلامت، آزادی و مال دیگران صدمه بزند. قانون طبیعی توسط عقل آشکار می شود و دستور می دهد که چه چیز برای ما بهترین است. **لاک** نظریه وضع طبیعی را نوعی مدینه فاضله نمی داند بلکه آن را ابزاری تحلیلی می داند که توضیح می دهد چرا ارائه حکومت مدنی لازم است و کارکرد قانونی آن چیست؟

**جان لاک** از حکومت استبداد که پایه آن بر اساس زور است بیزاری می کند و می گوید که چون زور، حق ایجاد نمی کند دیری نمی باید که مردم با انقلاب و شورش که حق طبیعی شان است آن را از سر راه برمی دارد. پس شاخصه اصلی نظریه او، بر عکس **هابز**، بیزاری از حکومتی است که به زور و استبداد متوسل شود.

**لاک** در رساله اش درباره ی حکومت، نظریه ی حکومت مطلقه را رد می کند. او نیز چون **هابز** معتقد است که برای حکومت کردن به فرمانروا نیاز است اما بر خلاف **هابز** قدرت مطلقه را برای فرمانروا جایز نمی داند. فرمانروا باید پاسخگوی اعمالش باشد و مجمع خاصی باید از او پاسخ بخواهد. این مجمع خاص نماینده ی مردم خواهد بود. او این گونه حکومت را مردمسالار نمی داند بلکه حکومت سلطنت مشروطه می نامد.

نظریه سیاسی **توماس هابز** بر پایه نوعی نگرش بدبینانه به ذات انسان قرار داشت، در مقابل آن نظریه سیاسی **جان لاک** بر پایه خوشبینی نسبت به ذات انسان استوار شده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

در نظر [لاک](#)، قدرت سیاسی یک ودیعه است که از نوعی قرارداد که بین افراد جامعه منعقد شده است سرچشمه می گیرد.

در سال ۱۶۸۸ که به انقلاب شکوهمند در این کشور معروف است. تاریخ سیاسی مدرن بریتانیا از همین زمان آغاز می گردد.

پیکره‌ی دولت بر پایه‌ی الگویی که [لاک](#) از سالها پیش از نظر تئوریک طراحی کرده بود شکل می گیرد. سلطنت مشروطه که در آن پارلمان و دربار در موازنه‌ی سیاسی، قدرت را در دست دارند، فراهم آمد. نظام دموکراسی پارلمانی تدریجاً به سوی نهادینه شدن می رود.

«نظریات سیاسی [لاک](#) با تصرفات مونتسکیو در آنها، در قانون اساسی آمریکا تجسم یافته است. قانون اساسی انگلستان نیز تا حدود پنجاه سال پیش مبتنی بر نظریات [لاک](#) بود، همچنین قانون اساسی که فرانسویان در سال ۱۸۷۱ میلادی تصویب کردند». ([پرتراند راسل](#))

بقول [ریچارد پاپکین](#) : «اگر بگویم طراح نظریه دموکراسی که فعلاً در جهان غرب وجود دارد، [جان لاک](#) است، سخنی به گزاف نگفته‌ام.»

---

[جان لاک](#) ( 1632 - 1704)، پدر لیبرالیسم ؛ او در خانواده ای پرستان پرورش یافت. در معرفت شناسی، سه نفر [جان لاک](#) ، جورج برکلی و دیوید هیوم به عنوان بنیانگذاران فلسفه تجربی بریتانیا نامیده شدند.

[توماس هابز](#) ( ۱۵۸۸ - ۱۶۷۹ ) یکی از فیلسوفان سیاسی برجسته انگلستان بود .  
[رنه دکارت](#) Rene' Descartes ( ۱۵۹۶ - ۱۶۵۰ ) متفکر بزرگ فرانسوی و بنیانگذار راسیونالیسم در عصر جدید است .

[بارون دو مونتسکیو](#) (۱۶۸۹-۱۷۵۵) یکی از متفکران سیاسی فرانسه در عصر روشنگری .  
[پرتراند آرتور ویلیام راسل](#)، (۱۸۷۲ - ۱۹۷۰)، فیلسوف، منطق‌دان، ریاضی‌دان، مورخ، جامعه‌شناس، جایزه دار نوبل و فعال صلح طلب بریتانیایی بود که در قرن بیستم می زیست.

[ریچارد پاپکین](#) ( 2005 - 1923 ) . Richard Popkin فیلسوف آمریکایی است.

---

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ